

## الگوی امنیتی ایران برای کشورهای اسلامی؛ الزامات کاربری اصول عزت، حکمت و مصلحت در مواجهه با کشورهای غربی

شعبیه بهمن<sup>۱</sup>

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

در طول سال‌های گذشته، الگوهای امنیتی مختلفی در جهان اسلام رواج و کاربرد داشته‌اند که بیشتر محصول تفکرات و نگرش‌های غربی بوده‌اند؛ اما در این میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی برآمده از انقلاب اسلامی، برداشت و الگویی خاص از امنیت ارائه داده که بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت قابل تفسیر و تبیین است. بر این اساس الگوی امنیتی ایران با تأکید بر اصول فوق و مبتنی بر ارائه یک الگوی امنیت بومی، سایر کشورها را نه به استفاده از همان الگو، بلکه به حرکت برای تدوین یک الگوی بومی بدون تأثیرپذیری از الگوهای غربی ترغیب می‌کند. نکته مهم در این بین، فراگیر بودن الگوی امنیتی ایران است که می‌تواند با اصول ثابت و البته تفاوت در روش‌ها مورد استفاده همه کشورهای اسلامی در مواجهه با کشورهای غربی قرار گیرد.

### واژگان کلیدی

الگوی امنیتی، اصول عزت، حکمت و مصلحت، ایران، جهان اسلام و غرب



## مقدمه

انقلاب اسلامی که به ایجاد حکومتی اسلامی در ایران انجامید، در عرصه‌های خارجی نیز مانند سایر عرصه‌ها، تحولی ریشه‌ای همراه آورد. در واقع انقلاب اسلامی بر اساس قرائت خاص فرهنگی و سیاسی خود، تحت تأثیر تفکرات اسلامی و شیعی، برداشت خاصی از نهضت اسلامی ارائه کرد که به درازای ۱۴۰۰ سال تاریخ اسلام معنا داشت و نوع خاصی از حاکمیت را در نظام بین‌الملل ایجاد کرد. از این رو جلوه‌هایی از آینده‌نگری و ایده‌پردازی راهبردی در آموزه‌های انقلاب اسلامی وجود داشت که موجب تغییر موقعیت جغرافیایی و فرهنگی ایران از یک کشور تحت سلطه به کشوری مستقل با توان بالقوه برای رهبری جهان اسلام شد؛ به خصوص که انقلاب اسلامی اهداف فراملی نیز داشت و در سطح منطقه‌ای و جهانی خواهان شکل‌گیری یک نظم جدید بین‌المللی بود که در آن امت اسلامی از جایگاهی شایسته برخوردار شود.

بر اساس آرمان‌های انقلاب اسلامی، باید جهانی شکل می‌گرفت که در آن استکبارستیزی، وحدت سیاسی کشورهای اسلامی، حکومت جهانی اسلام، صدور انقلاب و دفاع از مسلمانان و مستضعفان رواج می‌یافت و نظم موجود را دگرگون می‌کرد. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها نظم موجود در نظام بین‌الملل مبتنی بر پیروی از ابرقدرت‌های شرق و غرب را بر هم زد، بلکه به دلیل بهره‌مندی از اصالت‌های مذهبی اسلامی و فرهنگ غنی ایرانی، الگوی جدیدی برای سایر ملل شد و راه سومی پیش روی کشورهای دیگر قرار داد. اگر چه الگوی انقلاب اسلامی در سال‌های بعد با چالش‌هایی همچون جنگ تحمیلی و تحریم‌های بین‌المللی مواجه شد، اما تأثیرگذاری و الهام‌بخشی خود را در سطح جهان اسلام و نظام بین‌الملل از دست نداد.

در این بین یکی از مباحث مهم در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیان شده، اصل «عزت، حکمت و مصلحت» است. کاربرد این اصل در حوزه سیاست خارجی ایران این سؤال را مطرح کرده است که «چگونه جمهوری اسلامی می‌تواند در الگوی پیشنهادی خود به کشورهای اسلامی، اصل «عزت، حکمت و مصلحت» را در مواجهه آنها با کشورهای غربی ارائه کند؟». با توجه به اهمیتی که این موضوع دارد، نوشتار حاضر در پی بررسی ابعاد مختلف اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در الگوی سیاست خارجی ایران و کشورهای اسلامی در برابر کشورهای غربی است.



## الگوهای غربی امنیت و جهان اسلام؛ روندها و پیامدها

نظریه‌های کلان که تأثیر مستقیمی بر فضای جهانی و سیاست خارجی بیشتر کشورهای جهان از جمله کشورهای اسلامی داشته‌اند، محصول چند رویداد تاریخی هستند که یا با کشورهای اسلامی به صورت مستقیم در ارتباط بوده‌اند یا جوامع اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. از جمله این رویدادهای مهم عبارت است از:

۱. استقلال کشورهای مستعمره: تجربه تقسیم مستعمرات امپراتوری‌های استعماری اروپایی به کشورهای متعدد و همچنین فروپاشی امپراتوری عثمانی در حیطه جهان اسلام موجب پدیدار شدن کشورهای جدیدی شد. با ظهور دولت-ملت‌های جدید در جهان اسلام، این کشورها به دنبال الگویی مناسب برای تأمین و حفظ امنیت خود برآمدند. در این بین کشورهای اسلامی، هر یک بنا به دلایل تاریخی و مقتضیات و شرایط حاکم، نیازمند الگویی برای تأمین امنیت خود شدند.

۲. ظهور آمریکا به عنوان ابرقدرت: خاستگاه اصلی مباحث مربوط به امنیت به ایالات متحده آمریکا مرتبط می‌شود. در واقع بیشتر نظریه‌های امنیت برای نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم در آمریکا مطرح شدند. در این راستا یک نسل جدید از سیاست‌شناسان و متخصصان روابط بین‌الملل در غرب به مطالعه دولت‌ها و مسئله امنیت در جهان پرداختند. محققین به تدریج با انتشار مقالات، نشریات و ارائه سمینارهای مختلف نظریات خود را طرح و با حمایت دولت‌های خود در دستگاه‌های تصمیم‌گیری سایر کشورها نفوذ کردند. به این ترتیب مطالعات امنیت و امنیت‌پژوهی با حمایت‌های آمریکا در غرب شکل گرفت تا به وسیله یا آثار ناشی از آن، کشورهای دیگر تقویت شوند و بتوانند جلوی کمونیسم بایستند. در این بین، کشورهای اسلامی که از یک سو نیازمند تأمین و حفظ امنیت و از سوی دیگر تحت نفوذ غرب بودند، به پیروی از الگوها و نظریه‌های غربی رو آوردند.

۳. گسترش جنبش جهانی کمونیسم: پس از پیروزی شوروی در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، ارتش سرخ شوروی کشورهایی را در شرق اروپا و آسیای شرقی از اشغال متحدین آزاد کرد و بدین ترتیب، جنبش کمونیسم به این کشورها سرایت کرد. گسترش مرزهای کمونیسم به اروپا و آسیا باعث ایجاد شاخه‌های جدیدی شد که از میان آنها می‌توان به مائوئیسم اشاره کرد. با اضافه شدن بسیاری از کشورها به دایره ممالک تحت نفوذ شوروی و افزایش قدرت آن



در اروپای شرقی، کمونیسم بسیار قوی شد و دولت‌هایی بر پایه مدل شوروی در کشورهای بلغارستان، چکسلواکی، آلمان شرقی، لهستان، مجارستان و رومانی تشکیل شدند. در این بین برخی کشورهای اسلامی که به ایدئولوژی کمونیستی گرایش پیدا کرده بودند، مسیر وابستگی امنیتی به شوروی را برگزیدند.

۴. رقابت دو بلوک شرق و غرب برای تعمیم و گسترش الگوهای امنیتی خود: هم‌زمان با تشدید تنش میان دو تفکر لیبرالی و کمونیستی، آمریکا و شوروی به عنوان رهبران بلوک غرب و شرق، رقابت زیادی را برای گسترش نفوذ خود در جوامع دیگر پیش گرفتند. آمریکا که رهبری جهان سرمایه‌داری بعد از جنگ را به عهده گرفته بود، تلاش کرد با ارائه توصیه‌ها و الگوهای لازم، ارتباط این کشورها را با نظام سرمایه‌داری جهانی حفظ و از وابسته شدن آنها به بلوک شرق و شوروی جلوگیری کند. مهم‌ترین اقدام عملی آمریکا در این خصوص، ایجاد «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)» بود. از سوی دیگر در بلوک شرق به رهبری شوروی نیز تلاش شد امنیت کشورهای کمونیستی در پیمان واحدی با عنوان «پیمان ورشو» تأمین شود. در واقع در شوروی نیز این تفکر به وجود آمد که برای گسترش تفکر کمونیستی در سراسر جهان ناگزیر باید به ارائه سازکاری پرداخت که کشورهای کمونیستی را به خود جلب کند و موجب تقویت امنیت آنها شود تا از وابستگی به بلوک غرب اجتناب ورزند.

روند فوق نشان می‌دهد که نخبگان سیاسی در دو بلوک غرب و شرق به مطالعه سایر کشورهای جهان پرداختند و سازکار امنیتی مد نظر خود را به آنان توصیه کردند. از این رو روح حاکم بر بیشتر نظریه‌های غربی امنیت، منبث از ایدئولوژی جنگ سرد و مبتنی بر قوم‌مداری بر اساس غلبه غرب بر شرق یا بالعکس است. این امر باعث شد کشورهایی که از الگوهای غربی امنیت استفاده می‌کردند، در حوزه‌های مختلف نیز به غرب وابسته شوند. این مسئله در مورد کشورهایی که در زمان حیات شوروی از الگوهای سوسیالیستی پیروی می‌کردند نیز مصداق داشت و بیشتر آنها به مسکو وابسته بودند و از فرامین و خط‌مشی شوروی در جهان پیروی می‌کردند. این تقسیم‌بندی دقیقاً در کشورهای اسلامی نیز وجود داشت؛ به گونه‌ای که برخی از آنها به پیروی از الگوهای لیبرالی پرداختند و دنباله‌رو غرب شدند و برخی دیگر با الگوگیری از روش‌های کمونیستی، به مسکو وابستگی پیدا کردند. این امر نه تنها موجب مواجه شدن کشورهای اسلامی با پیامدهای امنیت غربی شد، بلکه عملاً فرصت تفکر درباره



طراحی و تدوین یک الگوی بومی امنیت را از بین برد.

در مجموع، بررسی وضعیت و شیوه به کارگیری الگوهای غربی امنیت در کشورهای اسلامی بیانگر چند پیامد عمده و مهم است:

۱. از بین رفتن وحدت جهان اسلام، ایجاد انشقاق و قطب‌بندی میان کشورهای اسلامی به دلیل پیروی برخی از آمریکای لیبرالی و حمایت برخی دیگر از اتحاد جماهیر شوروی؛
۲. گسترش گرایش‌های سکولار و لائیک در کشورهای اسلامی به دلیل ماهیت غیردینی دو قطب حاکم بر نظام بین‌الملل؛
۳. افزایش وابستگی کشورهای اسلامی به قدرت‌های بزرگ به واسطه پناه گرفتن در دامن آمریکا و شوروی؛
۴. افزایش تسلط و نفوذ غرب بر جوامع اسلامی از طریق وابسته‌سازی امنیتی؛
۵. ممانعت از رشد و تقویت گرایش‌های بومی برای طراحی الگوهای مستقل امنیت.

### الگوی ایران و جهان اسلام؛ رویکردهای موجود

نظام جمهوری اسلامی ایران، با توجه به ثبات سیاسی و اقتصادی و بهره‌گیری از مردم‌سالاری دینی، تنها کشوری است که از قابلیت الگوسازی در جهان اسلام برخوردار است؛ زیرا سایر کشورهایی که داعیه‌دار رهبری یا تبدیل شدن به الگو در جهان اسلام هستند، با مشکلات و چالش‌های بی‌شماری مواجه‌اند و هر یک به دلایلی قادر به انجام چنین کاری نیستند. برای مثال، عربستان سعودی به دلیل وجود خاندان حاکم در رأس نظام سیاسی و بی‌توجهی به حقوق اولیه مردم چنین قابلیتی ندارد. مصر در سال‌های اخیر درگیر تحولات داخلی نظیر انقلاب و کودتا بوده و هنوز نتوانسته است ثبات اقتصادی و سیاسی لازم را برای تثبیت خود به دست آورد. ترکیه با سیاست‌های نادرست و اشتباه‌های راهبردی درگیر دوره‌ای از بی‌ثباتی داخلی شده و خود را درگیر مبارزه قومیتی با کردها و تروریسم و افراط‌گرایی در کشورهای همسایه کرده است. کشورهایی نظیر مالزی و اندونزی هم که تقریباً نظام‌های سیاسی با ثبات و اقتصادهای توسعه‌یافته دارند، به دلیل دوری جغرافیایی با کانون جهان اسلام عملاً تأثیرگذاری چندانی ندارند. در این بین تنها جمهوری اسلامی ایران از قابلیت تأثیرگذاری درخور توجهی بر مسلمانان برخوردار است؛ زیرا هم از لحاظ سیاسی دارای



نظامی مردم‌سالار است و هم از لحاظ اقتصادی، به‌رغم تحریم‌ها و فشارهای فلج‌کننده، همچنان توانایی‌های اقتصادی برجسته‌ای دارد. ایران از لحاظ جغرافیایی نیز در همسایگی کشورهای اسلامی قرار دارد و کانون ژئوپلیتیک تشیع به شمار می‌آید. بر این اساس ایران می‌تواند با افزایش توانمندی‌های خود، به عنوان کشوری پیشرفته و قدرتمند در حیطه‌های فرهنگی، اقتصادی و امنیتی شناخته شود.

با توجه به پیامدهایی که استفاده از الگوهای غربی امنیت در کشورهای اسلامی داشته و همچنین نیازها و ضرورت‌هایی که به منظور طراحی و تدوین یک الگوی امنیت در جهان اسلام وجود دارد، این سؤال اساسی مطرح است که الگوی امنیتی ایران چه جایگاهی در جهان اسلام دارد؟ آیا این الگو می‌تواند به طور هم‌زمان مورد استفاده سایر کشورهای اسلامی قرار گیرد؟ آیا جمهوری اسلامی ایران باید به طراحی الگویی بپردازد که برای همه کشورهای اسلامی کاربرد داشته باشد؟ بی‌شک پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند بیانگر بسیاری از اهداف و خط‌مشی‌های آینده الگوی امنیتی ایران در جهان اسلام باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد الگوی امنیتی ایران در تعیین رهیافت‌های کلی خود با دورویکرد مواجه است:

نخستین رویکرد بر این مبنا استوار است که الگوی امنیتی ایران باید صرفاً به مسائل داخلی ایران توجه کند، مبحث و مؤلفه‌های امنیت را امری داخلی بشمارد و توجهی به حوزه خارجی نداشته باشد. اگر چه این امر با طراحی و تدوین یک الگوی درون‌نگر بومی همخوانی دارد، اما یک الگوی بومی صرفاً بیانگر نگاه به داخل و غفلت از حوزه‌های خارجی نیست.

دومین رویکرد این است که امنیت ضمن توجه به مسائل داخلی، دارای ابعاد خارجی باشد و صرفاً مباحث داخلی را دربرنگیرد. در واقع الگوی امنیتی ایران باید علاوه بر سوق دادن کشور به سوی امنیت، دارای اثربخشی در محیط خارجی به ویژه جهان اسلام باشد. با توجه به رویکرد جامعی که نسبت به مقوله امنیت در اسلام وجود دارد، این برداشت و تلقی صحیح‌تر است که علاوه بر توجه به ابعاد داخلی، جنبه‌های خارجی نیز مورد توجه قرار گیرند و به نحوی طراحی و تدوین شود که بر کشورهای اسلامی هم تأثیر بگذارد.

بر این اساس الگوی امنیتی ایران در تعامل با حوزه خارجی به ویژه جهان اسلام با دو انتخاب اساسی روبه‌روست:



۱. صدور الگوی امنیتی ایران به کشورهای اسلامی: بر مبنای این رویکرد، الگوی امنیتی ایران باید دارای چنان جذابیتی باشد که بر سایر الگوها ارجحیت یابد و کشورهای مسلمان را به استفاده از آن ترغیب کند. در این راستا جمهوری اسلامی ایران باید بتواند الگویی کارآمد از امنیت را به جهانیان ارائه دهد که قابلیت تقلید داشته باشد. بر این اساس در تدوین الگوی امنیتی ایران باید چگونگی صدور الگو به کشورهای دیگر بررسی شود. در واقع الگو باید با این دیدگاه تنظیم شود که عیناً مورد استفاده سایر کشورهای اسلامی نیز قرار گیرد. این امر را می‌توان صدور الگوی امنیتی ایران به کشورهای اسلامی تلقی کرد.

۲. تبدیل ایران به کشوری با ثبات به منظور الگوگیری دیگران: بر مبنای این رویکرد، ضرورتی ندارد که الگوی امنیتی ایران دارای ایده صدور الگو باشد، بلکه می‌تواند با سوق دادن ایران به سمت امنیت، نگاه سایر کشورها به خصوص کشورهای اسلامی را به خود جلب کند. بر این اساس الگوی امنیتی ایران باید از ایران یک کشور کاملاً باثبات بسازد تا توجه سایر کشورهای اسلامی به عنوان یک الگو به جمهوری اسلامی جلب شود و خود آنها برای نیل به امنیت، به استفاده از الگوی امنیتی ایران روی آورند.

الگوی امنیتی ایران مبین این مسئله است که می‌توان بدون پذیرش جهان‌بینی، ایدئولوژی و تمدن غرب به امنیت مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های سازگار با هویت ملی و مذهبی دست یافت. بی‌شک تحقق چنین الگویی نه تنها آثار داخلی، بلکه پیامدهای بین‌المللی نیز دارد و می‌تواند موجب ارتقای منزلت ایران در سطح منطقه و نظام بین‌الملل شود و تأثیرگذاری ایران را بین کشورهای اسلامی افزایش دهد. البته درباره کم و کیف استفاده سایر کشورهای اسلامی از الگوی امنیتی ایران بحث‌های جدی وجود دارد؛ زیرا قرار است الگوی امنیتی ایران با توجه به این موضوع که الگوهای امنیت قابل تسری به سایر کشورها نیستند، طراحی شود. در واقع اعتقاد به تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و هویتی مبنای طراحی و تدوین الگوی امنیتی ایران قرار گرفته است و اگر چنین اعتقادی وجود نداشت، عملاً لزومی به طراحی یک الگوی بومی احساس نمی‌شد.

علاوه بر این، در الگوی امنیتی ایران دو ویژگی «ایرانی» و «اسلامی» بودن می‌تواند در تمایز با سایر کشورهای اسلامی قرار گیرد و تمایل آنها به استفاده از این الگو را از بین ببرد؛ زیرا استفاده از لفظ «ایرانی» در الگو به معنای مختص بودن آن به ایران است و ارائه تعریف



امنیت باید با در نظر گرفتن جنبه ایرانی صورت گیرد. بر این اساس انطباق داشتن الگو با شاخصه‌هایی همچون شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی ایرانی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

به این ترتیب، الگوی امنیتی ایران با توجه به قید ایرانی بودن آن که بر مبنای مقتضیات جغرافیایی ایران و توسط نخبگان ایرانی تنظیم شده، ممکن است قابلیت استفاده در سایر کشورهای اسلامی را نداشته باشد. همچنین اگر قرار است الگویی توسط ایران برای استفاده کشورهای اسلامی تهیه شود، باید آن را «الگوی اسلامی امنیت» نامید نه «الگوی امنیتی ایران». بنابراین باید در کشورهای اسلامی، الگویی طراحی شود که از یک سو مقتضیات تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و هویتی این کشورها را در نظر گیرد و از سوی دیگر توسط نخبگان همان جوامع طراحی و تدوین شود.

علاوه بر ایرانی بودن الگو که ممکن است موجب عدم اثربخشی الگوی امنیتی ایران در سایر کشورهای اسلامی شود، لفظ «اسلامی» نیز می‌تواند تمایزاتی ایجاد کند؛ زیرا یکی از مؤلفه‌های اساسی در نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از امنیت، استخراج مبانی نظری و شیوه‌های تحقق الگو از منابع اسلامی است؛ به این معنا که الگوی امنیتی ایران باید از منابع اصیل اسلامی نشئت گرفته و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی باشد. از این رو اسلامی بودن الگو به معنای استخراج مبانی، چارچوب‌ها و الگوی امنیت از منابع و مبانی اسلامی است که بر مبانی نظری و فلسفی اسلام مبتنی باشد و همه مراحل و فرایندهای طراحی و اجرای الگو باید برخاسته از اسلام باشد.

اگر چه لفظ اسلامی به معنای توجه به مباحث و اندیشه‌های اسلامی و به کارگیری آنها در الگو است، اما این امر با چالش‌های جدی برای اثربخشی الگو در جهان اسلام مواجه است. برای مثال در این باره که چگونه می‌توان یک الگوی امنیت بر مبنای اصول و آموزه‌های تشیع تدوین کرد و آن را برای استفاده به اهل سنتی داد که دارای مبانی فقهی و کلامی متفاوتی هستند، پرسش‌های اساسی وجود دارد. نکته دیگر اینکه مبانی فلسفی، کلامی و فقهی در حوزه‌های علمیه ایران با اهل سنت و حتی برخی از فرق شیعی متفاوت است. در نتیجه الگوی امنیتی ایران در جنبه اسلامی خود نیز ممکن است اثربخشی لازم را در جوامعی که اکثریت آنها را اهل سنت تشکیل می‌دهند یا قرآنی متفاوت از قرائت انقلاب اسلامی از دین دارند، نداشته باشد.





## الگوی امنیتی ایران؛ اقتدار صلح‌طلبانه بر مبنای عزت، حکمت و مصلحت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، دیدگاه‌های درخور توجهی در حوزه مسائل امنیتی دارند. فراوانی اشاره‌های ایشان در بیانات متعدد درباره امنیت بیانگر توجه عمیق به ابعاد مختلف این موضوع است. بی‌شک نگاه ایشان به مقوله امنیت دارای ریشه‌های عقیدتی و تاریخی است که شناخت آنها ضرورت دارد. همچنین واکاوی تفکر ایشان درباره وجوه مختلف اقتدار و امنیت حائز اهمیت است؛ به خصوص که یکی از مفاهیمی که می‌توان از بیانات ایشان استخراج کرد، توجه و تأکید بر اصول «عزت، حکمت و مصلحت» است که در قالب الگوی «اقتدار صلح‌طلبانه» قابل بحث و بررسی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ تا کنون ۱۳ بار به صورت مستقیم به اصل عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی اشاره کرده‌اند.

ایشان در نخستین فرمایشات خود در سال ۱۳۶۸ در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به این اصول چنین اشاره کرده‌اند: «یکی دیگر از ارزش‌ها این است که سیاست خارجی ما به سه اصل عزت و حکمت و رعایت تقیه در آن مواردی که باید تقیه کرد متکی باشد. معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته دلیل شدن غیر از ضعیف بودن است. ممکن است کسی ضعیف باشد، اما دلیل نباشد. بین این دو تفاوت است. کارآمدان این کارها، می‌توانند خوب بفهمند.

حکمت، یعنی نظام اسلامی حکیمانه کار کند و از روی احساسات و بی‌توجه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما باید از رابطه با دنیا بگیریم، حرکت نکند. دید باید کاملاً حکیمانه و پخته باشد. ای بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم برخورد داریم، الان بایستی بنشینیم با او طرح دوستی بریزیم. این، حکمت است... وقتی از حکمت صحبت می‌کنیم، یعنی رعایت مصلحت جمهوری اسلامی و ملاحظه تمام استفاده‌هایی که این نظام می‌تواند از ارتباط با آن دولت‌ها ببرد. باید بر این اساس حرکت کنیم» (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

ایشان در جای دیگری، عزت، حکمت و مصلحت را یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی تلقی می‌کنند و می‌فرمایند: «عزت: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»؛ «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً». ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد



و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه دنیا با تکیه به آنها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم... ما بر اساس عزت اسلامی، عزت توحیدی و عزت ملت خودمان حرکت می‌کنیم. ملت ما باید در روابط بین‌المللی خواری نبیند و اهانت نشود. هیچ‌کس حق ندارد اهانت به ملت ایران را در کمترین برخورد با دیگران قبول کند. اگر کسی اهانت‌پذیر است، برای خودش اهانت‌پذیر است؛ برای ملت ایران نمی‌شود؛ حق ندارد. ملت ایران، ملتی سرافراز و بزرگ و جان‌دار است و نشان داده است که قدرت حضور در صحنه‌های دنیا را دارد. حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن؛ هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم» (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

علاوه بر بیانات، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها در اسناد و بیانیه‌های مکتوب به اصول عزت، حکمت و مصلحت اشاره کرده‌اند. برای مثال، مقام معظم رهبری هنگام ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۷۸، به صراحت جنبه‌های مختلف ثبات در سیاست خارجی براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت را تبیین کردند و تعقیب هدف‌های زیر را جزو اولویت‌های کشور برشمردند:

- گسترش همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم؛
- بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی؛
- مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی؛
- تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان؛
- مقابله با تک‌قطبی شدن جهان؛
- حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف؛
- تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی؛
- تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۰/۲/۳۰).



همچنین ایشان در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ به صراحت سیاست خارجی ایران را «دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت» بیان کرده‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۲/۸/۱۲). در بیانیه «گام دوم انقلاب» که در چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران منتشر شد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اصول عزت، حکمت و مصلحت را چنین برشمرده‌اند: «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند. تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

با توجه به مباحث مطرح‌شده در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به اصول عزت، حکمت و مصلحت، مسئله امنیت در نگاه ایشان قاعدتاً با این اصول و مفاهیم پیوند دارد؛ به خصوص که در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، هدف از تشکیل جمهوری اسلامی و برپایی انقلاب اسلامی، تأمین امنیت و اقتدار ایران است؛ چنان‌که ایشان به صراحت در این باره تأکید کرده‌اند هدف از تشکیل جمهوری اسلامی، حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و امنیت ملی است. از نظر ایشان حتی ایدئولوژی انقلاب اسلامی هم به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی است و هویت یک ملت محسوب می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۴/۳۰). بر این اساس در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اقتدار بنا بر دو ضرورت تاریخی، امری مهم تلقی می‌شود:

ضرورت اول، در ازای تاریخ پر فراز و نشیب ایران که هر گاه فاقد اقتدار لازم و کافی بوده، کشور درگیر بحران و جریان تجزیه‌طلبی شده است.

ضرورت دوم، موقعیت بین‌المللی ایران که برخورداری از اقتدار به منظور جلوگیری از مداخلات خارجی همواره عنصری تعیین‌کننده بوده است؛ به گونه‌ای که در دورانی که کشور فاقد اقتدار لازم برای جلوگیری از مداخلات خارجی بوده، همواره درگیر بی‌ثباتی و ناامنی شده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره این دو ضرورت تاریخی می‌فرماید: «اینکه ما روی قدرت دفاعی تکیه می‌کنیم ناشی از تجربه ماست؛ ما تجربه کرده‌ایم. یک روزی بود که این کشور- همین تهران که شما حالا بحمدالله با خیال راحت و با امنیت [در آن] رفت‌وآمد می‌کنید- زیر موشک‌های صدام بود؛ خیلی از شماها شاید آن وقت در دنیا نبودید. ما هیچ وسیله دفاع نداشتیم، [در حالی که] همه به صدام کمک می‌کردند. آمریکا برای همین موشک‌ها و برای ابزارهای دفاعی و حتی برای نقشه میدان جنگ به صدام کمک می‌کرد؛ ماهواره‌هایش و دیگران کمک می‌کردند. فرانسه کمک می‌کرد؛ فرانسه هم موشک می‌داد، هم هواپیما می‌داد. آلمان کمک می‌کرد؛ مواد شیمیایی می‌داد... این تجربه ماست. ما اگر چنانچه قدرت دفاعی خودمان را افزایش ندهیم، دشمنان ما جری خواهند شد، گستاخ خواهند شد، تشویق خواهند شد به اینکه به ما حمله کنند. باید قدرت دفاعی ما جوری باشد که دشمن تشویق نشود به یک اقدام و به دست از پا خطا کردن» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۷/۲۶).

با توجه به مباحث یادشده، اقتدار صلح طلبانه در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دارای چند وجه است:

**وجه نخست،** تأمین امنیت از طریق تقویت قوای نظامی؛ در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از مؤلفه‌های تأمین امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تقویت دائمی قوای نظامی است. تقویت قوای نظامی به حدی از اهمیت برخوردار است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی افزایش آمادگی نیروهای مسلح را موجب بازدارندگی و ترس دشمنان تلقی می‌کنند. ایشان به مناسبت روز نیروی دریایی از فرماندهان و مسئولان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران خواست توانایی‌ها و آمادگی‌های نظامی خود را افزایش دهند: «هر چه می‌توانید توانایی‌ها و آمادگی‌های خود را افزایش دهید تا دشمنان ایران حتی جرأت تهدید این ملت بزرگ را نداشته باشند. جمهوری اسلامی قصد آغاز جنگ با کسی را ندارد، اما باید آنچه‌تان توانایی‌های خود را افزایش دهید تا دشمن نه تنها از حمله به ایران بیمناک و هراسان باشد، بلکه به برکت همبستگی، اقتدار و حضور مؤثر نیروهای مسلح در میدان، سایه تهدید نیز از سر ملت ایران دور شود» (بیانات رهبری، ۷ آذر ۱۳۹۷).

**وجه دوم،** اعتقاد به قدرت معنوی در کنار قدرت مادی است. در واقع بر خلاف کشورهای که صرفاً افزایش توان نظامی را موجب برقراری امنیت خود تلقی می‌کنند، حضرت آیت‌الله



خامنه‌ای علاوه بر نقش عناصر مادی، بر عنصر معنویت نیز به عنوان یکی از عوامل پایداری اقتدار و امنیت تأکید می‌کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «کسی نگوید که ابزارهای دشمنان و تهدیدکنندگان از ما پیشرفته‌تر است؛ زیرا پاسخ این سخن آن است که ما در مقابل، ایمان و عزم و ایستادگی مان، از همه کسانی که با ما روبرو هستند بیشتر است و این، تعیین‌کننده می‌باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۹/۲۴).

همچنین ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «همه جامعه‌های عالم و کشورهای عالم برای اینکه بتوانند امنیت خود را تأمین کنند، بتوانند راه عزت خود را بیمایند و به آسایش مادی و معنوی دست پیدا کنند، احتیاج دارند به اقتدار؛ اقتداری که یک ضلع اساسی و مهم آن به وسیله نیروهای مسلح در هر جامعه‌ای و کشوری تأمین می‌شود. تفاوت اصلی در اینجاست که الگوی اقتدار در نظام‌های مادی که امروز بر دنیا حاکم است، با الگوی اقتدار در نظام اسلامی متفاوت است. در نظام‌های مادی، اقتدار، متکی به پایه‌های قدرت مادی است. به پول، به سلاح، به تبلیغات فریبکارانه، و هر جا لازم شود، مزورانه و منافقانه. اما در الگوی اسلامی و معنوی، این اقتدار در درجه اول متکی به عامل معنوی و ارزش معنوی و الهی است؛ متکی است به ایمان، متکی است به اعتماد به خدای متعال، متکی است به تلاش مخلصانه در راه آرمان‌های بلند و والا. نه اینکه به سلاح بی‌اعتنا باشیم، نه اینکه به نظم و تجهیزات و آموزش به چشم بی‌اهمیتی بنگریم؛ همه اینها لازم است؛ اما روح اینها. که اینها به منزله جسم آن و کالبد آن به حساب می‌آیند. عبارت است از احساس تکلیف خدایی، احساس اتکال به خدای متعال. این است که یک ارتش را، یک مجموعه نیروهای مسلح را، یک ملت را آنچنان مقاوم و استوار می‌کند که قدرت‌های مادی قادر نیستند آن را به زانو در بیاورند و نصرت نهایی و پیروزی نهایی با اوست» (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۸/۱۹).

وجه سوم، پاسخ محکم و قاطع به هر تجاوز است. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، دورانی که سرنوشت منطقه با حضور نظامی قدرت‌های خارجی رقم بخورد، سپری شده است. بر این اساس ایشان در این باره می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی ثابت کرده در دفاع از خود کاملاً مقتدرانه عمل می‌کند؛ همه ملت مثل یک مشت مستحکم گرد هم می‌آیند و در مقابل متجاوز و مهاجم غیرمنطقی می‌ایستند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۱/۳۰).



وجه چهارم، تقویت قوای نظامی برای حفاظت از صلح؛ به این معنا که جمهوری اسلامی ایران با تقویت قوای نظامی خود به هیچ وجه در پی درگیری و جنگ با سایر کشورها نیست، بلکه اقتدار نظامی را صرفاً برای تأمین امنیت و صلح می‌خواهد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «از آغاز تشکیل نظام جمهوری اسلامی، ما هرگز هیچ کشوری را، هیچ قدرتی را به رویارویی و جنگ تشویق نکردیم و نخواهیم کرد و تا آنجایی که بتوانیم، از هر گونه رویارویی حساب‌شده یا تصادفی جلوگیری می‌کنیم - این به جای خود محفوظ است - ما یک ملت صلح‌طلبیم؛ اما آن کسانی که پیشرفت کار خودشان را با حضور نظامی، با تحکم نظامی، با زورگویی‌های معمول می‌خواهند تأمین کنند، باید در مقابل خودشان یک ملت مقتدر را حس کنند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۵/۱).

در مجموع بررسی اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که ایشان امنیت را از یک سو در گرو افزایش اقتدار در ابعاد مادی و معنوی تلقی می‌کنند و از سوی دیگر اعتقاد راسخی به وجه صلح‌طلبی اقتدار دارند. در واقع در نگاه ایشان، اقتدار به مثابه قدرت مشروع، قانونی و مقبولی است که باید در راستای ایجاد امنیت و برقراری صلح مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس همان‌گونه که اقتدار ملی در اندیشه امام خمینی (ره) از اهمیت فراوانی برخوردار بود و مقابله با رویکرد ذلت‌آور پهلوی‌ها همواره در نوک پیکان حملات ایشان قرار داشت، امروز در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این رویکرد به مقابله با سیاست‌های برتری‌طلبانه آمریکا و اقدامات مخرب متحدان آن در سطح منطقه تبدیل شده است.

### الگوی اثربخش امنیتی ایران در جهان اسلام

بررسی ابعاد مختلف الگوی امنیتی ایران نشان می‌دهد که این الگو هم از جنبه ایرانی بودن و هم از لحاظ قرآنی که از اسلام دارد، به سادگی قابل تسری و استفاده در سایر کشورهای اسلامی نیست؛ در حالی که با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی نمی‌توان منکر ابعاد خارجی الگو به خصوص تأثیرگذاری آن در جهان اسلام شد. بر این اساس به نظر می‌رسد ایران به جای آنکه بخواهد الگوی خود را صادر کند یا آن را مورد استفاده سایر کشورها قرار دهد، باید مسیر دیگری را پیماید که بر مبنای آن، به صورت مستقیم برای سیاست خارجی دارای برنامه باشد و به تأثیرگذاری سیاست خارجی ایران در جهان اسلام بیندیشد. در این



راستا، لزومی ندارد که الگو صرفاً برای مصرف داخلی طراحی یا به سایر کشورها پیشنهاد و صادر شود، بلکه استفاده از مؤلفه‌هایی می‌تواند موجب تأثیرگذاری ایران در جهان اسلام شود. بنابراین در صورتی که الگو دارای ابعاد خارجی باشد، ضروری است مؤلفه‌هایی در حوزه خارجی مد نظر قرار گیرند که استفاده از آنها موجب تأثیرگذاری و ارتقای منزلت و جایگاه ایران در جهان اسلام شود. برجسته شدن نقش ایران به عنوان یک کشور با ثبات و اثربخش در جهان اسلام می‌تواند توجه سایر کشورهای اسلامی را به الگوی ایران جلب کند. در واقع ایران به جای آنکه بخواهد الگوی امنیت خود را صادر کند، شاخص‌های طراحی و تدوین یک الگوی امنیت موفق و کارآمد باید نظر کشورهای اسلامی را به خود جلب کند تا آنها به مسیر و شاخص‌های امنیت ایران بنگرند و ضرورت طراحی یک الگوی بومی امنیت را درک کنند. این امر چند پیامد مهم خواهد داشت:

نخست آنکه ایران به واسطه برخورداری از یک الگوی امنیت بومی می‌تواند به کشوری پیشرو در عرصه امنیت منطقه‌ای مبتنی بر شرایط و مقتضیات تاریخی و فرهنگی و همچنین اصول و آموزه‌های اسلامی تبدیل شود.

دوم آنکه ایران با تبدیل شدن به کشوری با ثبات و تمایل نداشتن به صدور الگوی امنیت خود به سایر کشورهای اسلامی، حساسیت‌های واہی در راستای ایران‌هراسی را می‌زداید؛ چون در سال‌های گذشته، برخی کشورهای عربی تحت تأثیر تبلیغات منفی رسانه‌های غربی، در یک هراس دائمی از صدور انقلاب اسلامی ایران به کشورهای خود به سر برده‌اند. سوم آنکه اثربخشی الگوی امنیتی ایران موجب ایجاد خودباوری در کشورهای اسلامی به منظور حرکت در راستای تدوین یک الگوی بومی متناسب با شرایط و مقتضیات سیاسی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی جوامع خود می‌شود.

چهارم آنکه تأثیرگذاری الگوی امنیتی ایران به واسطه حرکت کشورهای اسلامی در راستای تدوین یک الگوی امنیت بومی حاصل می‌شود. در واقع این مسئله که کشورهای اسلامی به تاسی از جمهوری اسلامی ایران به سوی تدوین یک الگوی مستقل امنیتی حرکت کنند، به معنای تأثیرپذیری آنها از الگوی امنیتی ایران است و این امر موجب ارتقای نفوذ معنوی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام می‌شود.

پنجم آنکه ایران از طریق ارائه یک الگوی کارآمد امنیتی می‌تواند موجب کاهش تأثیرپذیری کشورهای اسلامی از غرب و الگوهای غربی شود؛ زیرا حرکت کشورهای اسلامی در راستای تدوین یک الگوی امنیت به کاهش تأثیرگذاری غرب و الگوهای غربی بر کشورهای اسلامی منتهی می‌شود و این امر کاملاً با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی همخوانی دارد.

بنابراین آنچه باید در حوزه خارجی برای تأثیرگذاری بر جهان اسلام مد نظر قرار گیرد، صدور الگوی امنیتی ایران نیست؛ بلکه تبدیل ایران به کشوری با ثبات و با حاشیه امن بالا موجب خواهد شد که سایر کشورهای اسلامی نیز به تفکر برای تدوین یک الگوی بومی و مستقل از الگوهای غربی امنیت بپردازند و در این راستا گام بردارند. بر این اساس تأثیری که الگوی امنیتی ایران می‌تواند در جهان اسلام بگذارد، مبتنی بر ارائه یک الگوی امنیت بومی و موفق و کارآمد است که سایر کشورها را نه به استفاده از همان الگو، بلکه به حرکت در راستای تدوین یک الگوی بومی بدون تأثیرپذیری از الگوهای غربی ترغیب کند.

این رویکرد کاملاً با دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، همخوانی دارد. ایشان با نفی دنباله‌روی محض از کشورهای شرقی و غربی در مقوله امنیت، معتقدند مسائل مربوط به جوامع انسانی همچون قوانین علوم پایه و محض نیستند که در هر کشور و جامعه‌ای جواب واحد و مشخصی در پی داشته باشند: «هیچ الگوی واحدی برای همه کشورهای اسلامی وجود ندارد. در کشورهای مختلف، شرایط جغرافیایی، شرایط تاریخی، شرایط اجتماعی مختلف است؛ اما اصول مشترکی وجود دارد: همه با استکبار دشمنیم، همه با تسلط و سیطره خباثت‌آمیز غرب مخالفیم، همه با وجود غده سرطانی اسرائیل مخالفیم» (بیانات رهبری، ۱۰ بهمن ۱۳۹۰).

این رویکرد نشان می‌دهد که رهبر معظم انقلاب بر چند نکته اساسی تأکید دارند:

نخست، کشورهای اسلامی نباید از الگوهای غربی امنیت استفاده کنند.

دوم، هر کشوری متناسب با شرایط و مقتضیات سیاسی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و ... خود نیازمند طراحی یک الگوی امنیت است.

سوم، مطلوب بودن یک الگوی امنیتی در یک کشور به معنای مطلوب بودن آن در سایر کشورها نیست.





چهارم، به رغم فقدان الگوی واحد امنیت برای همه کشورهای اسلامی، اصولی همچون استقلال، استکبارستیزی و مواجهه با رژیم صهیونیستی می‌تواند در همه الگوهای امنیت در کشورهای اسلامی گنجانده شود.

مباحث یادشده نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی ایران به جای صدور الگوی امنیتی ایران باید به تبیین اصول الگوی بومی و مستقل امنیت بر اساس شاخصه‌های مشخصی بپردازد که در نهایت به عدم تأثیرپذیری جهان اسلام از الگوهای غربی امنیت و رهایی از وابستگی به غرب و سوق دادن کشورهای اسلامی به طراحی الگوی امنیت بومی مبتنی بر شرایط داخلی و اصول اسلامی منتهی شود. در این راستا، الگوی امنیتی تبیین شده توسط ایران برای سایر کشورهای اسلامی بر اساس اصل عزت، حکمت و مصلحت می‌تواند دارای شاخص‌های زیر باشد:

۱. تأکید بر معرفت‌شناسی دینی؛
۲. جهان‌بینی معنوی مبتنی بر تعالی انسان؛
۳. توجه به ویژگی‌های فرهنگ اسلامی؛
۴. ایجاد نظام امنیتی عدالت‌محور؛
۵. حفظ استقلال از قدرت‌های بزرگ و حرکت در قاعده نفی سبیل؛
۶. رفع وابستگی به غرب به سبب استفاده از الگوهای غربی امنیت؛
۷. مقابله با سیاست‌های استکباری آمریکا برای سلطه بر جوامع اسلامی؛
۸. تقویت جبهه مقاومت اسلامی در راستای مقابله با رژیم صهیونیستی؛
۹. توجه هم‌زمان به مصالح اسلامی در کنار منافع ملی؛
۱۰. حرکت کشورهای اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی.



## نتیجه گیری

در رویکرد جمهوری اسلامی ایران، ملت‌ها زمانی از امنیت برخوردار می‌شوند که ناگزیر نباشند ارزش‌های اصلی خود را فدا کنند. اگر ملتی تمایل دارد از جنگ پرهیز کند، باید بتواند در صلح پایدار به سر برد، و اگر مورد حمله قرار گرفت، قادر باشد با نیل به پیروزی در آن جنگ، از ارزش‌های ملی خود دفاع کند.

بر این اساس امنیت ملی بخشی از سیاست‌های دولت است که هدف آن ایجاد شرایط سیاسی ملی و بین‌المللی مطلوب برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی حیاتی در برابر دشمنان بالفعل یا بالقوه است. در این بین طراحی و تدوین الگوی امنیتی ایران نقش درخور توجهی چه در سوق دادن ایران به امنیت و چه در اثربخشی در جهان اسلام دارد. در خصوص چگونگی اثربخشی الگوی امنیتی ایران در جهان اسلام، سه رویکرد مهم وجود دارد:

۱. الگوی امنیتی ایران به عنوان یک الگوی جامع و روش حرکتی به سوی امنیت و تعالی به کشورهای اسلامی ارائه شود.

۲. ایران به عنوان کشوری با ثبات و با حاشیه امن بالا به کشورهای اسلامی معرفی شود و آنها خود به استفاده از الگوی امنیتی ایران برای دستیابی به امنیت و تعالی روی آورند.

۳. شاخص‌های الگوی امنیتی ایران که قابلیت برجسته کردن یک مسیر امنیت مستقل بدون وابستگی به غرب را دارند و بر مبنای مقتضیات داخلی هر کشور و اصول اسلامی تنظیم شده‌اند، در جهان اسلام تبلیغ و ترویج شوند.

دو رویکرد اول با چالش‌های متعددی مواجه هستند و نمی‌توانند اهداف متعالی انقلاب اسلامی را محقق کنند. با توجه به اینکه هر کشوری بنا بر مقتضیات داخلی خود نیازمند یک الگوی امنیت بومی است، الگوی امنیتی ایران نمی‌تواند در همه کشورهای اسلامی به کار رود. همچنین تقلید از الگوی امنیتی ایران نمی‌تواند در دستور کار کشورهای اسلامی قرار گیرد؛ زیرا در نهایت، حرکت ایران به سوی امنیت با استفاده از الگوی بومی خود حاصل شده که الگویی مختص ایران است. در نتیجه، توجه به نکات زیر حائز اهمیت است:

۱. الگوی اثربخش امنیتی ایران نمی‌تواند نسخه‌ای واحد برای امنیت همه کشورهای اسلامی تهیه کند.

۲. الگوی اثربخش امنیتی ایران گرچه می‌تواند با تبدیل ایران به کشوری با ثبات، موجب



جلب توجه سایر کشورهای اسلامی به الگوی مستقل امنیت شود، اما این امر الزاماً به معنای استفاده آنها از الگوی ایران نیست.

۳. الگوی اثربخش امنیتی ایران صرفاً می‌تواند به عنوان یک روش حرکتی در راستای نیل به امنیت مورد استفاده کشورهای اسلامی قرار گیرد؛ زیرا مقتضیات زمانی و مکانی، شرایط سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی و اقتصادی این کشورها با ایران متفاوت است. در واقع سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در هر کشوری بر مبنای مقتضیات بومی باید طراحی شود. این رویکرد، به کشورهای جهان اسلام فرصت می‌دهد با استفاده از شاخص‌های مشخصی همچون معرفت‌شناسی دینی، جهان‌بینی معنوی مبتنی بر تعالی انسان، توجه به فرهنگ اسلامی، نظام امنیتی عدالت‌محور، حفظ استقلال، رفع وابستگی به غرب، مقابله با سیاست‌های استکباری آمریکا، تقویت جبهه مقاومت اسلامی، در نظر گرفتن مصالح اسلامی در کنار منافع ملی و حرکت در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی، گام در راه امنیت بردارند. این رویکرد در عین اینکه کشورهای اسلامی را به هیچ کشوری از جمله ایران وابسته نمی‌کند، موجب تأثیرپذیری آنها از الگوی امنیتی ایران می‌شود؛ زیرا شاخص‌هایی که برای امنیت این کشورها ارائه شده‌اند، حاصل الگوی امنیتی ایران بر مبنای اصولی همچون عزت، حکمت و مصلحت هستند. بنابراین جهان‌شمولی و اثربخشی الگوی امنیتی ایران در جهان اسلام، در تقلید صرف از شیوه حرکتی آن نیست، بلکه در معرفی شاخص‌هایی برای امنیت کشورهای اسلامی نهفته است.

## منابع فارسی

- ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه (۱۳۷۸/۲/۳۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بیانات در پایگاه نیروی دریایی ارتش در بندرعباس (۱/۵/۱۳۹۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴/۱/۳۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» (۱۰ بهمن ۱۳۹۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۳۶۸/۱۱/۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه (۱۳۷۰/۴/۱۸)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی (۱۳۹۶/۷/۲۶)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش (۱۳۸۹/۸/۱۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.



- دیدار سفرا و مسئولان وزارت امور خارجه با رهبر انقلاب (۱۳۹۷/۴/۳۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی-فرهنگی انقلاب اسلامی.

- دیدار فرماندهان نیروی دریایی ارتش با رهبر انقلاب (۷ آذر ۱۳۹۷)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی-فرهنگی انقلاب اسلامی.

- سخنرانی در میدان صبحگاه ناوگان منطقه یکم نیروی دریایی ارتش (۱۳۶۹/۹/۲۴)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی-فرهنگی انقلاب اسلامی.

- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (۱۳۸۲/۸/۱۲)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مؤسسه پژوهشی-فرهنگی انقلاب اسلامی.

